وهم، مرتبه نازل عقل

شاگرد: می‌توان اوهام العقول هم گفت؟

استاد: قبلاً از این مساله، صحبت شد. اگر در روایات «وهم» را بررسی کنیم، خودش یک رساله می‌شود. انسان، کل روایاتی که «وهم» در آن‌ها به کار رفته است را بخواند و ببیند لغتی که اهل البیت علیهم‌السلام راجع به قوه وهم دارند، چیست. هم لغتش، هم معنایش و هم مصداقش چیست به فرمایش شما، «اوهام العقول» که تعبیری می‌شود به وهم عقل. ببینید اصل این‌که خود وهم یک قوه هست یا نیست، در کلاس هم نزاع است. آیا بشر چهار قوه دارد؟ حس و خیال و وهم و عقل؟ یا خیر، اساساً تقسیم در قوای واقعی، ثلاثی است؟ حس و خیال و عقل. پس وهم چیست؟؛ «الوهم عقل ساقط». وهم، همان عقل است که وقتی نازل می‌شود، به عالم خاک می‌آید، وقتی با عالم خاک انس می‌گیرد، اسمش وهم می‌شود. بنابراین «الاوهام المبرءة» یعنی می‌توانید وهم را از انسی که با عالم خاک دارد، دور کنید. از انسی که با زمان و مکان دارد، دور کنید. یعنی وقتی به بچه می‌گویید: خدای متعال، می‌گوید کجا است. چرا می‌گوید: کجا است؟ سائل عقل او است یا وهم او است؟؛ اگر بگوییم عقل و وهم دو قوه هستند، می‌گوییم الآن وهم این بچه سؤال می‌کند. چون انس قوه وهم با مکان است، لذا هر چه را بگویید، می‌گوید کجا است. قوه واهمه به‌دنبال جای شیء می‌گردد. اما اگر بگوییم این بچه سه چیز بیشتر ندارد؛ حس دارد، خیال دارد و عقل. الآن که می‌گوید: خدای متعال کجا است؟، سائل عقل او است، اما عقل ـ ساقط او است. یعنی عقلی که فعلاً با عالم خاک انس دارد. هر چه که دیده است، سر و کارش با جا و زمان بوده است. وقتی هم به او مبدأ متعال می‌گویید، می‌گوید: کجا است؟ لذا، عقلش سائل است اما عقل پایینی است که چون انس به مکان دارد، اسمش وهم است و سؤال از مکان می‌کند. خیلی کار می‌برد تا از این انس بیرون برود.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 ژانویه 2025 15:33:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 ژانویه 2025 15:33:25 توسط ... .